

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

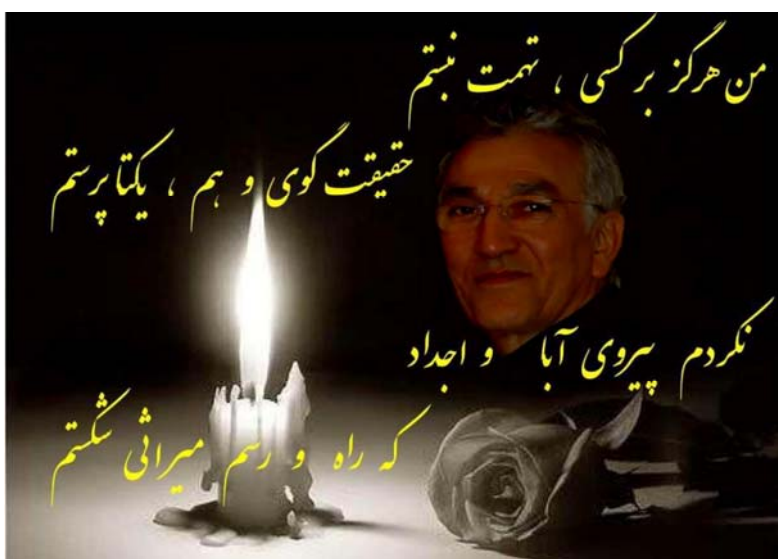
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۳ جنوری ۲۰۲۱



ریگ در کفش ادب

از شوری دستم نمک مهر و وفا، بی نمک افتاد
هرجا که شدی پهن مرا سفره تدبیر، ز تقدیر...
بوی ز کباب جگر و ماهیچه و لاندی گوسفند
هر بنگینی ظاهر گل دارد و باطن، خس و چون خار
با ظاهر آراسته با صدق و ولی، باطن کاسته
بشکسته پر و بال، به کنج قفس جبر زمانه
شخصیت چند چهره، ز بازار دیانت به تجارت
گلبدین بی دین، که میخواست پزد نان سیاست
زیر و زبر و شد و مد و ضمّه ز شعر تر "نعمت"
احساس مرا، از در و دیوارِ رفاقت، چک افتاد
شیر و شکر و شهد، شرنگ گشته به کام محک افتاد
آید به مشام و هوس چور و چرش، خرچشک افتاد
در کفش ادب، ریگ، سخن گشته، به نام پتک افتاد
از سنگدلان، رحمی نه حتی ز سرک تا پتک افتاد
از روز ازل، دانه تزویر، به دام، از فلک افتاد
روباه و شغال و گهی گرگ و سگ و گاهی پشک افتاد
ناپخته به ریش کپک و تارتنک و پوپنک افتاد
در خشتک ملا و چلی، ایش و کک و خسک افتاد

رکب در کفش لوب

لذ شوره دستم نمک مهتر و وفا، بی نمک و قناده

احسان مراد، لزد و دیوار رفاقت، چکک و قناده

هر جا که شد سر پهن، مراد سفره تدبیر، ز تفت دیر

شیر و سکر و شهد، شرنگ کشته به کامم محک و قناده

بوس ز کباب جگر و ماهیچه و، لاند تر کو سفند

لاید به مشام و، هوس چور و چرش، خرچنگ و قناده

هر بد کنشی ظاهر گل دلور و باطن، خس و چون خار

در کفش لوب، ریک، سخن کشته، به نام پستک و قناده

با ظاهر آراسته با صدق و، ولی، باطن کاسته

لذ سنگدلان، رحمی نه حتی ز سرک تا پچک و قناده

بشکته پر و بال، به کنج قفس جبر زمانه

لذ روز لزل، دلانه ترور، به دلم، لذ فلک و قناده

شخصیت چند چهره، ز بازار دیانت به تجارت

روبا و شغال و کمی گرک و سگ و، گاهی پستک و قناده

گلب دین بی دین، که میخواست نزد نان سیاست

ناپخته به ریشش کپک و، تارنگ و، پوپک و قناده

زیر و زبر و شد و مد و ضمه، ز شعر تر «نعمت»

در خشک ملا و چلی، لپش و گلک و خشک و قناده